



Selection of Khark Island as a Place of Exile in the 1950s and 1960s

Marziyeh Saadatmand¹ | Hasan Allahyari² | Hamid Asadpour³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The 1950s and 1960s were politically turbulent years in the history of Iran, during which a wide range of political activists, mainly the members of the Tudeh communist party were prosecuted, jailed, and eventually sent to Exile. Many of such convicts were sent to Khark Island to spend their years of exile. This paper explores why Khark was chosen by the government as an exile place.

Method and Research Design: This article is based on data collected from archival documents and library resources.

Findings and conclusion: Because of being an island in the Persian Gulf and the unfavorable climatic constraints, Khark has been a place of exile in previous times. The government in the above two considered the island a suitable place for preventing the prevent convicts further political activities. action. Most of exiles were member Tudeh party or sympathetic to it.

Keywords: Second Pahlavi era, Persian Gulf, Khark Island, Exile Function, Tudeh party.

Citation: Saadatmand, M., Allahyari, H., Asadpour, H. (2021). Selection of Khark Island as a Place of Exile in the 1950s and 1960s. *Ganjine-ye Asnad*, 31(2), 6-32 | doi: 10.30484/ganj.2021.2666

1. MA Student in History of Persian Gulf Studies, Persian Gulf University, Boshahr, I. R. Iran
marziyehsaadatmand72@gmail.com
 2. Assistant Professor, Department Of History, Persian Gulf University, Boshahr, I. R. Iran, (Corresponding Author)
hasanallahyari@pgu.ac.ir
 3. Assistant Professor, Department Of History, Persian Gulf University, Boshahr, I. R. Iran
asadpour@pgu.ac.ir
- Copyright © 2021, NLA1 (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«122»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2021.2666

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 2, Summer 2021 | pp: 6 - 32 (27) | Received: 15, Jan. 2020 | Accepted: 1, Mar. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

انتخاب جزیره خارک به عنوان تبعیدگاه در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش

مرضیه سعادت‌مند^۱ | حسن الهیاری^۲ | حمید اسدپور^۳

چکیده:

هدف: جزیره در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش به شکل کم‌سابقه‌ای پذیرای تعداد زیادی از تبعیدیان ارسوی حکومت مرکزی بود. عموم این تبعیدیان یا عضو حزب توده بودند و یا به عقاید آن حزب تمایل داشتند. در میان تبعیدیان افراد شناخته‌شده زیادی نیز بودند. در این مقاله سبب انتخاب خارک به این منظور بررسی می‌شود

روش / رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد آرشیوی و منابع کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده‌است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: محدودیت‌های اقلیمی خارک و سابقه تبعیدگاهی این جزیره، آن را محل مناسبی برای جلوگیری از توسعه قدرت، و ترویج حزب توده و دیگر جریان‌های سیاسی ساخت. جزیره خارک زندان طبیعی دورازدسترس واجد ابعاد تأمینی و تأدیبی تبعیدگاه بود.

کلیدواژه‌ها: عصر پهلوی دوم؛ خلیج فارس؛ جزیره خارک؛ تبعیدگاه؛ حزب توده.

استناد: سعادت‌مند، مرضیه، الهیاری، حسن، اسدپور، حمید. (۱۴۰۰). انتخاب جزیره خارک به عنوان تبعیدگاه در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش. *گنجینه اسناد*، ۳۱(۲)، ۶-۳۲. doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱,۲۶۶۶

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
marziyehsaadatmand72@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)
hasanallahyari@pgu.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
asadpour@pgu.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۲۲»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۱,۲۶۶۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۰ | صص: ۶-۳۲ (۲۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

تبعید در طول تاریخ ایران، به‌ویژه در تاریخ معاصر، یکی از مجازات‌هایی بوده که از طرف حکومت‌های وقت برای کنترل و سرکوب مخالفان کاربرد داشته‌است. تبعید در لغت به معنی دور کردن و نفی بلد، راندن، کسی را از شهر بیرون کردن و به جاهای دور دست فرستادن آمده‌است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۵۹۳؛ معین، ۱۳۸۱، ص ۴۲۲؛ عمید، ۱۳۶۲، ص ۳۶۶). تبعید از ریشه بَعَدَ است و به معنی بیرون کردن کسی از وطنش به دلیل جرم سیاسی نیز به کار رفته‌است (افریقی مصری، ۱۴۲۶ق، ص ۳۱۶؛ ابن فارس، ۱۴۲۰ق، ص ۲۶۸).

تبعید در اصطلاح حقوق کیفری به معنی بیرون راندن کسی از شهر یا آبادی معین به نقطه دیگر کشور است که غالباً به صورت اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین اعمال می‌شود (ایمانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۳؛ شاملو احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳۸).

واژه تبعید در متون مختلف دارای مترادف‌های گوناگونی هم‌چون نفی، نفی بلد، ابعاد، اقامت اجباری، ممنوعیت از اقامت نیز هست (نیکوزاد، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵؛ ایمانی، ۱۳۸۳، ص ۷۱؛ عمید زنجانی، ۱۳۳۷، ص ۷۸). هر کدام از این واژه‌ها نیز خود دارای تعاریفی هستند که در این مجال نمی‌گنجد.

همان‌طور که گفته شد به این نوع مجازات در تاریخ معاصر ایران یعنی دوره‌های پهلوی اول و دوم و به‌ویژه پهلوی دوم بیشتر توجه شده‌است. تغییر در ساختار سیاسی و تلاش برای ایجاد دولتی متمرکز و یکپارچه حول محور بوروکراسی و ارتش، اتخاذ رویکردهای متفاوت اجتماعی و فرهنگی از سوی رضاشاه و مواجهه با جریان‌های فکری جدید در سطح جهان هم‌چون توسعه اندیشه کمونیسم و سوسیالیسم و بروز آن در ایران تحت عنوان حزب توده و بسیاری از مسائل دیگر، طیف متنوعی از مخالفان را برای حکومت پهلوی ایجاد کرد. به نظر می‌رسد که ساخت زندان‌های شاخص توسط حکومت پهلوی در همین دوران ناظر به همین وضعیت بوده‌است. گرچه در دهه ۲۰ هجری شمسی و پس از سقوط رضاشاه، فضای باز و گسترده‌ای برای فعالیت جریان‌ها و گروه‌های مذکور وجود داشت، ولی بعد از طرح ترور شاه در سال ۱۳۲۷ش و هم‌چنین بروز قیام‌ها و اعتصابات گوناگونی که در طول دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ش رخ داد، این فضای باز به یک‌باره به فضایی بسته بدل شد. شاید بتوان گفت که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پایانی بر فضای باز فکری و سیاسی شکل گرفته در دهه اخیر بود. وقایع رخ داده در طول دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ش موجب شد حکومت به اقداماتی در جهت مجازات مخالفان خود دست بزند. در همین راستا حکومت پهلوی برای کنترل اوضاع، برای بسیاری از مخالفان خود



در زمانه مورد بحث کیفر تبعید را در پیش گرفت. برای این نوع مجازات مناطق مختلفی در این دوره در نظر گرفته شد که از آن جمله می توان به قلعه فلک الافلاک در خرم آباد، دژ برازجان، شهر خاش و... اشاره کرد. در این بین جزیره خارک از دیده اهل تحقیق مغفول مانده است. بررسی های مقدماتی، حضور تعدادی از افراد شاخص را به عنوان تبعیدی به این جزیره نشان می دهند. بنابراین پژوهش فوق در پی آن است تا علل انتخاب و جایگاه جزیره خارک به عنوان تبعیدگاه در دوره پهلوی دوم را بررسی کند.

پرسش پژوهش

چه عواملی در انتخاب جزیره خارک به عنوان تبعیدگاه در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ هجری شمسی مؤثر بوده و این جزیره در مقطع مورد بحث واجد چه جایگاهی در مقوله تبعید بوده است؟

پیشینه پژوهش

تاکنون در ارتباط با این موضوع کار مستقل علمی صورت نگرفته است. در این زمینه، تنها کتابی با عنوان «مبارزه در تبعید: خارک جزیره سوزان» تألیف یعقوب لطفی (۱۳۹۲) در دست است. این کتاب فاقد بعد علمی قابل توجهی است و وجهه ارزشمندی آن صرفاً داده های کوتاه و مختصری در باب تبعید به جزیره خارک است که همان اندک نیز همراه با اشتباهات فراوانی است. عملاً کتاب مختصر مذکور به رهیافتی بیش از ادبیاتی حماسی - یادمانی درباره تعداد اندکی از تبعیدیان به جزیره خارک دست نیافته است.

رساله دکتری آقای سید محمود سادات با عنوان «واکاوی تبعید در دوره پهلوی اول از دیدگاه تاریخ محلی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)» (۱۳۹۲) و مقالات مرتبط با آن هم چون «تحلیل تبعید اشتراکی ها و کمونیست ها در دوره پهلوی اول» (۱۳۹۷)، «تحلیل مجازات تبعید در دوره پهلوی اول» و «تحلیل مؤلفه های تبعید مخالفان سیاسی در دوره پهلوی اول» (۱۳۹۶ ب) مهم ترین کارهای پژوهشی انجام شده در حوزه تبعید در دوره پهلوی اول است که گرچه با مقاله پیش رو هم پوشانی دوره ای ندارد، ولی به دلیل اتخاذ رویکرد مناسب و آشنایی با بسترها و مقدمات پدیده تبعید در دوره پهلوی دوم، برای مقاله حاضر اهمیت دارد.

روش به کار گرفته شده در پژوهش حاضر روش تحلیل تاریخی است که با گردآوری داده ها از اسناد آرشیوی، منابع مکتوب و نشریات سازمان دهی شده است.

۲. بایسته‌های تبعیدگاه در دوره پهلوی

مجازات تبعید اولین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ش وارد ادبیات حقوقی ایران شد. در بند ۵ ماده ۸ این قانون از تبعید به‌عنوان یکی از مجازات‌های جنایی نام برده شده است (کلانی، ۱۳۹۵، ص ۳۳). طبق بررسی‌های انجام‌شده، مقوله تبعید در دوره پهلوی اول عملاً نتیجه قانونی احکام قضایی نبوده است و حکومت بدون در نظر گرفتن رأی دادگاه افراد را به تبعید محکوم می‌کرده است (سادات، ۱۳۹۲، ص ۲۹). تداوم این روش را در دوره مدنظر پژوهش حاضر و در جریان تبعید گروه موسوم به ۶۱ نفر می‌توان مشاهده کرد. حکومت در واکنش به فضایی که علیه در جامعه وجود داشت، حکم تعدادی از مخالفان خود را از اعدام به تبعید تقلیل می‌داد.

به‌زعم محققان، پدیده تبعید دارای سه مؤلفه اساسی تبعیدی، علت تبعید، و تبعیدگاه است (سادات، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷). موضوع این پژوهش مؤلفه سوم است. البته برای درک جایگاه جزیره خارک در مقوله تبعید، آمار و تبار تبعیدیان نیز بررسی شده است. تبعیدگاه مکانی است که از سوی حکومت وقت برای تنبیه فرد خاطی و کنترل او در نظر گرفته می‌شود. از این حیث می‌توان گفت که تبعید دارای دو بُعد تأدیبی و تأمینی است؛ هر کدام از این دو بعد دارای ویژگی‌های مختص به خود است. برای بعد تأدیبی تبعید می‌توان به ویژگی‌هایی چون بدبودن و متفاوت بودن اقلیم و آب‌وهوای تبعیدگاه با محل زندگی تبعیدی و نبود کوچک‌ترین امکانات رفاهی و اولیه اشاره کرد. بعد تأمینی تبعید نیز باید دارای این ویژگی‌ها باشد: ۱. قابلیت کنترل آسان تبعیدیان؛ ۲. دوردست بودن آن؛ ۳. پایین بودن سطح فرهنگ و آگاهی محل تبعید تا امکان تأثیرگذاری کمتری بر تبعیدی داشته باشد (سادات، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶).

اغلب مناطقی که در دوران پهلوی دوم به‌عنوان تبعیدگاه انتخاب می‌شدند ویژگی‌های مذکور را دارا بودند. یکی از این نقاط جزیره خارک بود؛ به‌این دلیل که احتمالاً بیشتر ویژگی‌های برشمرده برای تبعیدگاه را دارا بوده است. در ادامه این موارد بررسی شده‌اند.

۳. وضعیت جغرافیایی جزیره خارک

گرچه جزیره خارک را در ابعاد مختلف جغرافیایی می‌توان بررسی کرد، ولی بنابر رویکردهای این پژوهش مسائلی هم‌چون موقعیت جزیره و نحوه دسترسی به آن، آب‌وهوا، شهرت جزیره و شغل بومیان این جزیره قابل بررسی است.

۱. نمونه دیگر این پدیده، یکی از تبعیدیان به‌نام چنگیز اصلائی معروف به حاجی‌تبریزی از ازاریان شهری است. گزارف نیست اگر گفته شود عامل انگیزه‌بخش برای انجام پژوهش حاضر کشف ابهامات درباره همین فرد بوده است؛ ولی مراجعه به اسناد و دیگر منابع هیچ ردی را از او نشان نمی‌دهد. او از یاران نواب صفوی و عضو گروه فداییان اسلام بود که در حوادث پس از کودتای ۲۸ مرداد همراه با عده‌ای دستگیر و به اعدام محکوم شد؛ ولی برخلاف دیگر دوستانش با یک درجه تخفیف به خارک تبعید شد. به‌نظر می‌رسد که تمام این مراحل خارج از رویه قضایی و اداری صورت گرفته باشد، زیرا هیچ ردی از او در اسناد آرشویی وجود ندارد. ابهام درباره او به‌شکلی بوده است که بنابر گفته خودش خانواده او تا سال‌ها تصور می‌کرده‌اند که او اعدام شده است. به‌نظر می‌رسد تنها راه بررسی احوال او در تبعیدگاه خارک رجوع به خاطرات شفاهی او و خانواده‌اش باشد که نیازمند پژوهشی مستقل است. چنگیز اصلائی پس از اتمام تبعید، در جزیره خارک ماندگار شد و شاهد تحولات پرشتاب این جزیره در دهه‌های ۱۳۳۰، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش بود. او در سال ۱۳۸۹ درگذشت.



۳.۱. موقعیت جغرافیایی جزیره خارک

جزیره خارک در شمال خلیج فارس در ۵۲ کیلومتری شمال غربی بوشهر، ۳۰ کیلومتری بندر ریگ، ۳۵ کیلومتری جنوب بندر گناوه و ۵ کیلومتری جنوب جزیره خارکو قرار دارد (خسروی، ۱۳۴۲، ص ۴؛ آل احمد، ۱۳۸۶، ص ۶۹؛ امانی، ۱۳۸۹، ص ۵). جزیره خارک در دوره مورد بحث به حوزه بوشهر در استان هفتم (فارس) تعلق داشت؛ ولی امور کارگری آن در بخش صنعت نفت زیر نظر خوزستان بود. بنابراین باتوجه به درخواست‌های مکرر وزارت کار به وزارت کشور این جزیره به استان ششم (خوزستان) الحاق شد (ساکما، ۱۳۵۳/۲۹۳/۹۸). جزیره خارک در سال ۱۳۴۶ ش جزء استان خوزستان محسوب شد (نامه صنعت نفت ایران، ۱۳۴۸، ج ۹، ص ۳۰).

نویسندگان کتب جغرافیای تاریخی، جزیره خارک را از جزایر دریای پارس (بحر فارس) دانسته‌اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۳؛ مسعودی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷). اکثر این کتب به فاصله این جزیره تا بصره اشاره کرده‌اند و آن را پنجاه فرسنگ دانسته‌اند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰، ص ۴۶؛ حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۱، ص ۲۰؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). محمدابراهیم کازرونی در کتاب خود «تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس» از فاصله بین جزیره خارک تا بوشهر این گونه سخن گفته است: «در جنب شمال بوشهر [بوشهر] به چهار زام^۱ مسافت که به عبارت اخری شانزده فرسنگ راه است واقع شده است» (کازرونی، ۱۳۶۷، ص ۶۱).

کتب جغرافیایی دیگر مانند المسالک و الممالک و تقویم البلدان محل استقرار این جزیره را روبه روی جنبه (گناوه امروزی) و نزدیک عبّادان (آبادان امروزی) دانسته‌اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۳؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹، ص ۴۲۵).

خارک جزیره‌ای نسبتاً کوچک است و ۳۲ کیلومتر مربع وسعت دارد. طول آن حدود ۱۰ کیلومتر و عرض آن حدود ۴ کیلومتر است (پورزاهد، ۱۳۵۱، ص ۸). در متون و منابع جغرافیایی مساحت جزیره خارک فرسنگی در فرسنگی یا یک فرسخ در یک فرسخ^۲ ذکر شده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰، ص ۴۶؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). هم‌چنین در کتاب «نخبة الدهرفی عجائب البر و البحر» آمده است که پیرامون جزیره بیست میل^۳ می‌باشد (انصاری دمشقی، ۱۳۵۷، ص ۲۷۹).

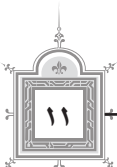
۳.۲. آب و هوا و ظرفیت طبیعی جزیره

از ویژگی‌های جغرافیایی جزیره خارک آنچه در این پژوهش مهم به نظر می‌رسد وضعیت آب و هواست. درباره آب و هوای جزیره خارک شواهدی بهتر از افراد تبعیدی به این جزیره

۱. زام همان کلمه جام است که در اصطلاح دریانوردان خلیج فارس به کار می‌رفته است (کازرونی، ۱۳۶۷، ص ۴۱). هم‌چنین زام را چهار فرسنگ دانسته‌اند: «و مسافت میان جزیره، بُنه و دیره و خارک و خارکو چهار زام است که هر زامی چهار فرسنگ باشد» (امام شوشتری، ۱۳۳۱، صص ۶۱-۶۲)

۲. اگر مساحت جزیره طبق فرسنگ متداول (۶۲۴ کیلومتر) محاسبه شود، ۶/۲۴ در ۶/۲۴ می‌شود ۲۸/۹۳۶ که تقریباً به مساحت یادشده نزدیک است.

۳. باتوجه به اینکه میل یک سوم فرسنگ شرعی است و هر فرسنگ معادل ۶/۲۴ است، محیط جزیره می‌بایست حدود ۴۲ کیلومتر باشد.



نمی‌توان یافت که خود آن را لمس کرده‌اند و همه در کتب خاطرات خود به‌خوبی به این بحث پرداخته‌اند. این افراد در خاطرات خود از شدت گرما و شرجی هوا در فصل تابستان به‌عنوان یکی از سخت‌ترین مؤلفه‌های سکونت در جزیره خارک سخن گفته‌اند. کریم کشاورز در این باره می‌گوید: «هوا آن‌قدر گرم است که مگس‌ها هم به چاک زده‌اند.» او همچنین شدت شرجی جزیره را این‌گونه توصیف کرده‌است: «دیشب شرجی وحشتناکی بود، هرگز رختخواب‌ها این‌جور خیس نشده بود؛ در واقع توی آب خوابیده بودیم» (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۶۲، ۸۵). برخی از همین منابع از طوفان‌ها و بادهای مکرر سخن گفته‌اند که در فصل زمستان باعث به‌وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای برای زیست در جزیره می‌شده‌است (کشاورز، ۱۳۶۳، ص ۱۷۹).

نقل انجوی شیرازی که «گرمای هوا حتی باعث از کار افتادن ترمومتر تعیین درجه تب بیماران می‌شده‌است» به‌خوبی گویای سختی هوای این جزیره است (صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۵۲). باین‌حال و برخلاف بادهای زمستانی، وزش باد در تابستان خارک یکی از نعمت‌هایی بوده‌است که تبعیدیان از آن یاد کرده‌اند؛ زیرا باعث کاسته شدن شدت گرما و شرجی می‌شده‌است (کی‌مرام، ۱۳۷۴، ص ۳۶۳؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۵۳). در اسناد برجای‌مانده از تبعیدیان و خانواده‌های آنان برجسته‌ترین ویژگی منفی جزیره خارک گرمای طاقت‌فرسای آن بوده‌است. در این اسناد که در قالب شکایت تبعیدیان یا شکوایه‌های خانواده‌های آنان ثبت شده‌است آب‌وهوای این جزیره با عباراتی هم‌چون «جزیره بسیار گرم و خطرناک»، «بدترین نقاط آب‌وهوایی ایران»، «نقاط بدآب‌وهوای جنوب»، «بدآب‌وهواترین جزایر خلیج فارس»، «جزیره بدآب‌وهوای خارک» قید و برجسته شده‌است (کمام، ۶۳۲۸۴۸، ۶۳۲۸۷۳، ۶۳۲۸۷۴، ۶۳۲۸۷۵، ۶۳۲۸۷۶، ۶۳۲۸۷۷، ۶۳۲۸۷۸، ۶۳۲۸۷۹).

گرما و شرجی زیاد در تابستان جزیره، زندگی تبعیدیان را با مشکلات عدیده و بیماری‌های طاقت‌فرسایی مانند دردهای عضلانی و ناراحتی‌های کلیه و کبد روبه‌رو می‌کرد (کمام، ۶۳۲۸۶۹؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۸۵، ۱۶۲، ۱۷۹). انجوی شیرازی در خاطراتش می‌گوید: «ماه‌های بهمن و اسفند، بهار جزیره خارک است و...» (صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۴۸). براین‌اساس می‌توان گفت آب‌وهوای جزیره عمدتاً در تمام فصول سال به‌جز دو ماه یادشده گرم و نامناسب بوده‌است.

پوشش گیاهی این جزیره مرجانی، به‌دلیل کم‌بودن خاک‌های رسوبی و حاصلخیز و هم‌چنین وضعیت نامناسب بارش‌های جوی، بسیار فقیر بود (سازمان نیروهای مسلح، ۱۳۸۱، ص ۷۲). جلال آل‌احمد که نزدیک به دوره مورد‌بحث پژوهش حاضر، جزیره



خارک را از نزدیک دیده‌است، می‌تواند منبعی موثق برای این موضوع باشد. او اظهار می‌دارد که هر جا سطح سنگی جزیره دارای شکستگی باشد، خاک قابل کشت آن را می‌توان مشاهده کرد (آل‌احمد، ۱۳۸۶، ص ۷۲). در فصول مختلف پوشش گیاهی جزیره اندکی متفاوت بوده‌است؛ ولی در تابستان دیگر هیچ اثری از گیاهان نبوده‌است (پورزاهد، ۱۳۵۱، ص ۲۰؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴، صص ۳۵۵-۳۵۶).

بر همین اساس در اسناد تبعیدیان، جزیره خارک به عنوان مکانی بی‌آب و علف معرفی شده‌است (کمام، ۶۳۲۸۶۹).

تنها درختان جزیره خارک عبارت بودند از: لیل^۱، کنار، نخل، سپستان، گز، و درخت لوز (پورزاهد، ۱۳۵۱، صص ۲۰-۲۱؛ احسانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۵؛ امانی، ۱۳۸۹، ص ۸؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۹؛ کازرونی، ۱۳۶۷، ص ۶۱). فقر پوشش گیاهی در این جزیره آنچنان بوده‌است که تنها باغ شخصی جزیره به نام «محمدشریف» در سال ۱۳۳۳ از نظر تبعیدیان، جزء باصفاترین نقاط آن محسوب می‌شده‌است (کشاورز، ۱۳۶۳، ص ۲۰۶؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۴۱؛ کرمان، ۱۳۹۳، ص ۴۸). در این جزیره تنها یک چاه آب شیرین وجود داشته که آب شرب مردم را تأمین می‌کرده‌است (محمیایی، ۱۳۸۱، ص ۵۲).

۳.۳. راه‌های دسترسی به جزیره

دسترسی به جزیره خارک تا سال ۱۳۳۵ش تنها از راه دریایی مقدور بود و افراد تبعیدی به این جزیره را از طریق دریا به جزیره منتقل می‌کردند. برای نمونه عده‌ای از افراد شرکت‌کننده در قیام افسران خراسان را در اردیبهشت ۱۳۳۳ش از راه خرمشهر به خارک منتقل کردند (احسانی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۹؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۷) و گروهی موسوم به ۶۱ نفر را از بوشهر به خارک منتقل کردند (کشاورز، ۱۳۶۳، ص ۲۴؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۳۲). زمانی که آب‌وهوا مناسب بود و طوفان و باد و باران نبود که دریا مواج شود، دسترسی به جزیره آسان‌تر انجام می‌شد؛ در غیر این صورت دسترسی به جزیره از طریق دریا غیرممکن بود. برای نمونه، ابراهیم محیایی در کتاب خاطرات خود «گذر از سرمنزل عنقا» - که انعکاس رنج‌ها و سختی‌های زندگی مردم جنوب در دوره پهلوی است - از سفر به آبادان از مبدأ بوشهر در سال ۱۳۲۱ش، چنین می‌گوید: «یک کشتی بادی با ظرفیت دو بیست و پنجاه نفر مسافر از زن و مرد و بزرگ و کوچک گرفته تا بچه شیرخواره بعد از سه چهار شبانه‌روز سوار بر کشتی، باد از وزیدن باز ایستاده بود؛ آب آشامیدنی رو به نقصان می‌رفت؛ نان و خرما رو به کمبود می‌نهاد؛ صدای بی‌تابی بچه‌ها از گرسنگی و تشنگی از هر گوشه و کنار طنین‌انداز بود. بعد از هفت شبانه‌روز با هزاران زحمت به جزیره خارک

۱. انجیر معابد

رسیدیم» (محبایی، ۱۳۸۱، ص ۵۲). این در حالی است که بنابر مطالب پیشین فاصله جزیره خارک تا بوشهر تنها ۵۲ کیلومتر است. این دسترسی سخت و نامنظم به جزیره در اسناد اداری دوره پهلوی نیز انعکاس داشته است (ساکما، ۳۲۴۵۴۲۹۳).

۳.۴. جمعیت و معیشت جزیره خارک در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش

درباره جمعیت بومی جزیره در اواخر دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش (زمان تبعید افراد تبعیدی به جزیره) اطلاعات مشخص و مدونی در دست نیست. طبق سرشماری سال ۱۳۲۶ ش جمعیت جزیره ۲۶۰ نفر بوده است (پورزاهد، ۱۳۵۱، ص ۴۰)؛ ولی نقل افراد تبعیدی از جمعیت جزیره متنوع و متفاوت است. برای نمونه کریم کشاورز می‌گوید: «اکنون جمعیت خارک بین ۱۵۰ نفر در تابستان و چهارصد نفر در پاییز و زمستان نوسان می‌کند. اکثر این عده زن و کودک هستند. بیشتر مردان خارک در جست‌وجوی نان به کویت و بحرین و آبادان و قطر و دیگر نقاط خلیج رفته‌اند» (کشاورز، ۱۳۶۳، ص ۴۲). انجوی شیرازی -یکی دیگر از تبعیدیان- هم جمعیت جزیره را در حدود سیصد نفر ذکر کرده و اظهار داشته است که در دهه هرگز سیصد نفر به‌طور دائم سکونت نداشته‌اند (صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۴۳)، مرتضی زربخت و منوچهر کی‌مرام نیز در خاطرات خود جمعیت جزیره را به ترتیب سی و بیست خانوار ذکر کرده‌اند (احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۹؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴، ص ۳۵۴). علاوه بر پذیرش اشتباهات احتمالی در ذکر جمعیت، نوسان جمعیت مذکور می‌تواند گویای محدودیت‌های همه‌جانبه بومیان جزیره باشد که به بخشی از آن در خاطرات کریم کشاورز اشاره شد. علاوه بر این، نوسان مذکور می‌تواند ناشی از آب‌وهوای بد جزیره و تبعات آن نیز بوده باشد. این مشکل باعث می‌شد تا در فصولی از سال مردم بومی به‌طور موقت به مناطق دیگر مهاجرت کنند.^۲

اهالی جزیره خارک مسلمان بودند، ولی مذهبشان با قاطبه مردم کشور متفاوت بود. به‌گفته جلال آل‌احمد که خود به این جزیره سفر کرده است «در حدود دوسوم اهالی شافعی‌اند و بقیه شیعه اثناعشری» (آل‌احمد، ۱۳۸۶، ص ۷۷). از این گزاره چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که احتمالاً به‌دلیل بافت دینی غالب جزیره، تبعیدیان سیاسی واردشده به جزیره عملاً نمی‌توانسته‌اند ارتباط چندانی با بومیان جزیره برقرار کنند. البته همان‌طور که در مطالب پیش‌رو خواهد آمد ارتباط بومیان با تبعیدیان تحت‌الشعاع پدیده دیگری نیز بوده است.

آنچه در متون تاریخی، خارک را پرآوازه کرده، صید مروارید آن بوده است. اغلب جغرافی‌دانان دوره اسلامی از مرغوبیت مروارید خارک یاد کرده و شهرت جزیره را به داشتن مروارید فراوان دانسته‌اند (جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۵؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵، ص ۵؛

۱. هنوز هم بومیان جزیره خارک بخش بومی‌نشین خارک را «ده خارک» می‌گویند.
۲. انجوی شیرازی در یادداشت‌های خود کشف حجاب را یکی از عوامل اساسی مهاجرت دانسته است (صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، ص ۴۳).



حدودالعالم من المشرق الى المغرب، ۱۳۶۱، ص ۲۰؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹، ص ۴۲۵؛ اصطخری، ۱۳۴۰، ص ۳۴؛ انصاری دمشقی، ۱۳۵۷، ص ۲۷۹؛ کازرونی، ۱۳۶۷، ص ۶۶. اکثر ساکنان خارک به صید مروارید اشتغال داشتند. این شغل گرچه منبع درآمد خوبی برای بومیان محسوب می شده، ولی احتمالاً در دوره معاصر تقریباً منسوخ شده بوده است (احسانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۵). انجوی شیرازی به نقل از مدیر گمرک آن زمان جزیره دلیل منسوخ شدن صید مروارید را سخت گیری مأموران دولتی در وصول باج و خراج بیان کرده است (صداقت پیشه، ۱۳۸۴، ص ۴۳). البته طبق سند دیگری گسترش صنعت استخراج سنگ از جزیره خارک برای ایجاد زیرساخت های صنایع نفت در خوزستان در دوره پهلوی اول و تمایل مردم بومی به فعالیت در این صنعت از دیگر دلایل رکود صید مروارید در این جزیره بوده است (ساکما، ۲۳۰۹۸۱). درباره کشاورزی اهالی جزیره نیز بررسی های انجام شده در کتب جغرافیایی، ناظر بر آن است که اهالی جزیره زراعت چندانی نداشته اند و تنها تعدادی نخلستان داشته اند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰، ص ۴۶؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). این موضوع در منابع جدید نیز انعکاس یافته است و این منابع کشاورزی اهالی جزیره را بسیار محدود دانسته اند (وثوقی، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

باتوجه به مطالب بالا می توان ویژگی های زیر را برای جغرافیای طبیعی و انسانی جزیره خارک در زمان مورد بحث به تصویر کشید:

۱- آب و هوای این جزیره در بیشتر ایام سال به شدت گرم و مرطوب و طاقت فرسا بوده است. این شاخص برای طیفی از تبعیدیان که عموماً از مناطق سرد یا معتدل کشور به آنجا تبعید می شدند رنج دوچندانی را به دنبال داشته است. گزارش منعکس شده از تبعیدیان نشان می دهد که به سبب شدت گرما، افراد تبعیدی برای پیشگیری و درواقع مقابله با گرما اقداماتی را در پیش گرفته بوده اند، از جمله: نیمه برهنه بودن در تبعیدگاه؛ نشستن در زیر سایه درختان؛ و استفاده از مایع ضدشرجی^۱ برای جبران کمبود ویتامین سی (کشاورز، ۱۳۶۳، ص ۲۴؛ کی مرام، ۱۳۷۴، صص ۳۵۹-۳۶۳؛ احسانی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۷).

۲- خاک جزیره به علت مرجانی بودن حاصلخیز نبود؛ بنابراین پوشش گیاهی آن هم فقیر بود و در نتیجه اقتصاد کشاورزی و دامداری آن هم نمی توانست چندان قابل توجه باشد. تنگناهای معیشتی ناشی از فقدان مؤلفه های بالا به حدی بود که برخی از تبعیدیان نظیر محمدحسن شمشیری و محمدعلی یساری (مرندی) در زمان تبعید خود برای رفع نیاز تبعیدیان، خودشان دامداری و کشاورزی مختصری ایجاد کردند تا بخشی از مشکلات معیشتی خود و دیگر تبعیدیان را برطرف کنند (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۱۶۹، ۱۷۳، ۲۶۰؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴؛ خواندنی ها، شماره ۲۱، صص ۱۳-۱۵).

۱. همان آب لیمو و نمک است.

۳- وسعت جزیره زیاد نبود و جمعیت آن‌هم در دوران مورد بحث چندان زیاد نبود. جمعیت کم بومیان که کمترین ارتباط را با جوامع دیگر داشتند، حاشیه‌ای امن برای حکومت مرکزی در زمینه تبعید فراهم می‌کرد.

۴- محصور بودن در میان آب‌های خلیج فارس و فاصله نسبتاً زیاد از بندرها در کنار حمل و نقل سنتی دریایی به‌عنوان تنها وسیله ارتباطی جزیره با محیط خشکی، جزیره را به زندانی دریایی تبدیل کرده بود. این موضوع کنترل تبعیدیان را برای حکومت مرکزی بسیار آسان می‌کرد.

۵- بنابر گزارش‌ها، وضعیت بهداشتی-درمانی جزیره نیز بسیار مختصر بوده‌است و برای درمان برخی بیماری‌ها امکانات و لوازم لازم در اختیار نبوده‌است و فرمانده پادگان مجبور بوده برای درمان بیماری برخی از تبعیدیان حال آنان را گزارش کند و در صورت موافقت مقامات بالا بیمار تبعیدی برای درمان به خارج از جزیره اعزام می‌شده‌است (کمام، ۶۳۲۸۶۵؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۱۴۷، ۲۲۳؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، صص ۷۸؛ کریمان، ۱۳۹۳، صص ۷۹، ۸۰، ۱۱۶). علت این شرایط ناگوار وضعیت جغرافیایی جزیره و ناسازگاری تبعیدیان با آن بوده‌است.

با مقایسه ویژگی‌های مذکور با آنچه درباره بایسته‌های محیط تبعیدگاهی گفته شد می‌توان چنین احتمال داد که این جزیره شرایط طبیعی لازم را برای تبعیدگاه داشته‌است و برای انتخاب جزیره خارک به‌عنوان تبعیدگاه هر دو بعد تأمینی و تأدیبی تبعید مدنظر حکومت وقت بوده‌است. این شرایط بنابر موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در میان آب‌های خلیج فارس، آب‌وهوای گرم و مرطوب، فقدان دسترسی مناسب، فقر طبیعت، فقر امکانات، دوری از مرکز سیاسی و زادگاه تبعیدیان و جمعیت محدود جزیره مهیا شده بود.

۴. پیشینه تبعیدگاهی جزیره خارک در دوره پهلوی اول

جزیره خارک بنابه تصمیم حکومت وقت در مورخ ۱۳۱۲/۱۰/۱۱ ش به‌عنوان محلی برای محکومان تبهکار و دارای سابقه جرم و جنایات اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و تصمیم بر آن بود که ساکنان بومی جزیره به مکان دیگری منتقل شوند (ساکما، ۲۴۰۳۹۵۲۲). کریم کشاورز این رویداد را چنین توصیف می‌کند: «مردم خارک به‌ویژه جوانان به‌سبب رفتار ناهنجار چاقوکش‌های تبعیدی (سابقاً چاقوکش‌ها و سربازان خاطی و سرکش را به خارک تبعید می‌کردند) که به زنان و دخترانشان دست‌درازی کرده و حتی یک بار به غارت دهکده پرداخته بودند، متواری شده‌اند» [و] بیشتر به کویت رفته‌اند» (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۹۳). یادداشت‌های انجوی، کی‌مرام و احسانی نشان می‌دهد که زنان جزیره به‌دلیل



سابقه بد زندانیان سابق که عموماً افرادی بزهکار بوده بودند، از تبعیدیان دهه ۱۳۳۰ ش هم دوری می‌کردند. در خاطرات شیخ مصطفی رهنما نیز به این موضوع اشاره شده است. بر همین اساس می‌توان گفت این جزیره تا دوران نزدیک به موضوع پژوهش، محلی برای تبعید بزهکاران اجتماعی هم چون چاقوکش‌ها بوده است (کشاورز، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴، ص ۳۵۴؛ احسانی، ۱۳۷۸، ص ۴۰؛ کرمان، ۱۳۹۳، ص ۴۶) و در دوره مورد بحث هم الگویی را برای ارتباط اجتماعی اندک بومیان با تبعیدیان فراهم کرده است. هم‌چنین، شاید بتوان هدف اصلی انتقال ساکنان جزیره به مکان دیگری را فراهم کردن تمهیدات لازم برای تبعید افراد خلاف‌کار و ناباب به این جزیره دانست. به‌هر روی همین شواهد نشان می‌دهند که سابقه موفق تبعیدگاهی جزیره خارک طبق مؤلفه‌های پیش‌گفته، در انتخاب این جزیره به‌عنوان تبعیدگاه مخالفان حکومت پهلوی مؤثر بوده است. بررسی‌های انجام‌شده محققان نشان می‌دهد که این جزیره در دوره رضاشاه کارکرد تبعیدگاهی برای تبعیدیان سیاسی نداشته است^۱ و این کارکرد به دوره محمدرضاشاه موقوف شده است. باتوجه به شرایط طبیعی طرح‌شده و سابقه تبعیدگاهی جزیره خارک، در ادامه به‌طور عینی و متکی بر اسناد و مدارک، کارکرد این جزیره به‌عنوان تبعیدگاه سیاسی در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش بررسی می‌شود.

۵. جزیره خارک و نقش آن در فرایند تبعید در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش

طبق بررسی‌های انجام‌شده موج ورود تبعیدیان سیاسی به جزیره خارک در دوره پهلوی دوم از اواخر دهه ۱۳۲۰ ش آغاز شد ولی از زمانی که به طرح تبدیل جزیره خارک به پایانه نفتی (حدوداً بین سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۶ ش) توجه شد (خسروی، ۱۳۴۲، ص ۱۱۳)، تبعیدیان آن جزیره به زندان‌های دیگر، و به‌طور عمده به دژ برازجان انتقال یافتند (ساکما، ۲۳۰/۲۹۸۶۴؛ عمویی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷). در این بخش مهم‌ترین رویدادهای مسبب تبعید کنش‌گران به جزیره خارک بررسی می‌شود تا بدین وسیله جایگاه تبعیدگاهی جزیره خارک در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش، باتوجه به علل و عوامل طرح‌شده در قبل به‌شکل بهتری تبیین شود.^۲

۵.۱. قیام افسران خراسان

این گروه از تبعیدیان افسران نیروی هوایی بودند که در حزب توده عضویت داشتند و در قیامی موسوم به افسران خراسان در سال ۱۳۲۴ ش دست داشتند. بخشی از آن‌ها سابقه همکاری با حکومت خودمختار آذربایجان و بارزانی‌ها را هم در کارنامه خود داشتند. این

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره رک: (سادات، ۱۳۹۷، صص ۸۱-۸۲).
۲. نام‌گذاری گروه‌های مختلف تبعیدی براساس محتوای منابع دست‌اول است و ابداع نویسندگان مقاله حاضر نیست. هم‌چنین زمان تبعید هر گروه ملاک ترتیب آن در این بخش از پژوهش است.
۳. منظور از وقایع آذربایجان تأسیس حکومت خودمختار آذربایجان توسط سیدجعفر پیشه‌وری در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ش است.
۴. منظور تشکیل حزب دموکرات کردستان توسط قاضی محمد در سال ۱۳۲۴ ش است.

افراد پس از وقایع آذربایجان^۲ و خراسان و کردستان^۳ در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ش به عراق پناهنده شدند و پس از گذراندن سه سال در زندان‌های عراق در اوایل سال ۱۳۲۹ ش به ایران تحویل داده شدند و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش، در اردیبهشت سال ۱۳۳۳ ش به جزیره خارک تبعید شدند. تعداد این افراد در منابع ۶ نفر عنوان شده است (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۷۷، ۸۹، ۹۰؛ عمومی، ۱۳۷۷، صص ۱۳۶؛ احسانی، ۱۳۷۸، صص ۳۶۳؛ احمدی، ۱۳۹۴، صص ۱۹۷).

۵.۲. ترور ناکام محمدرضا پهلوی

این گروه از تبعیدیان مربوط به جریان ترور ناموفق محمدرضا شاه در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ش در سالگرد افتتاح دانشگاه تهران هستند. این ترور را شخصی به نام ناصر فخرآزایی انجام داد که خودش هم در همان محل ترور کشته شد (احمدی، ۱۳۹۴، صص ۲۱۸). در این جریان دو نفر به حبس ابد محکوم و به جزیره خارک تبعید شدند (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۸۵، ۲۰۰؛ احمدی، ۱۳۹۴، صص ۱۷۹-۲۱۶). بررسی‌ها نشان می‌دهند این گروه تحت تأثیر حزب توده و شخص نورالدین کیانوری بوده‌اند و برای این ترور با کیانوری مشورت داشته‌اند و با تأیید او این کار را انجام داده‌اند (احمدی، ۱۳۹۴، صص ۲۱۶-۲۱۸؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴، صص ۱۹۷-۱۹۸). زمان دقیق تبعید و ورود آنان به جزیره خارک مشخص نیست؛ ولی احتمالاً این اتفاق در اواخر دهه ۱۳۲۰ ش روی داده است.

۵.۳. معترضان ورزشگاه امجدیه

این گروه معروف به چهارآبانی‌ها هستند. این زندانیان سیاسی در ۴ آبان ۱۳۳۱ در مراسم روز تولد محمدرضا شاه در ورزشگاه امجدیه با فریادهای «مرگ بر شاه خائن» دستگیر شدند و در ۱۸ دی ۱۳۳۱ وارد جزیره خارک شدند (کمام، ۱۳۲۸۷۱، ۶۳۲۸۷۲؛ احسانی، ۱۳۷۸، صص ۳۴۰-۳۴۳؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۸۳، ۱۸۹؛ احمدی، ۱۳۹۴، صص ۱۹۸). تعداد این افراد بنابر روایت منابع مختلف ۲۴ نفر بوده است.

درباره وابستگی فکری و حزبی این افراد اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ ولی ذکر نام و وضعیت آن‌ها در خاطرات اعضای حزب توده هم‌چون مرتضی زریخت، و علی اصغر احسانی می‌تواند نشانه‌ای مبنی بر هواداری آن‌ها از حزب توده باشد.

۵.۴. کشف مواد منفجره در راه آهن

این گروه به راه‌آهنی‌ها معروف بودند. این گروه از تبعیدیان از کارگران راه‌آهن بودند



که در جریان کشف مواد منفجره در مراسم استقبال محمدرضاشاه از مادرش دستگیر شدند (احسانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲). به گفته علی اصغر احسانی مأموران فرمانداری نظامی این کارگران را به علت فعالیت‌های شدید سندیکایی به خوبی می‌شناختند و از مدت‌ها قبل در پی فرصتی مناسب بودند تا از شر این کارگران خلاص شوند و این پیشامد بهانه خوبی برای دستگیری این کارگران شد. این کارگران بعد از دستگیری در زندان شماره ۳ قصر به اعتصاب غذا دست زدند و مصرّاً از مقامات دولتی آزادی خود را خواستار شدند؛ ولی فرمانداری نظامی برای جلوگیری از تداوم اعتصابات و مکاتبات این افراد، آن‌ها را به جزیره خارک تبعید کرد (احسانی، ۱۳۷۸، صص ۳۴۱-۳۴۳؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۶۲، ۸۳). با توجه به فعالیت‌های حزب توده در میان جامعه کارگری و بنابه عبارات بالا می‌توان گفت این گروه به لحاظ فکری هوادار حزب توده بوده‌اند.

۵.۵. وقایع بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد، وقایع و حوادثی به وقوع پیوست که احتمالاً بی‌ارتباط با این کودتا نبود. این وقایع نیز به تبعید گروه‌های دیگری به جزیره خارک منجر شد. در ادامه به این گروه‌ها که در حوادث بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شرکت داشتند و سپس به جزیره خارک تبعید شدند، پرداخته شده است:

۵.۵.۱. فستیوال‌ها

در منابع، این گروه را جوانان فستیوالی نامیده‌اند. این جوانان در فستیوال سیاسی بخارست شرکت کرده بودند که بعد از مراجعت به ایران در بندر انزلی بازداشت شدند و تقریباً در شهریورماه ۱۳۳۲ ابتدا به قلعه فلک‌الافلاک و سپس به جزیره خارک تبعید شدند (کمام، ۶۳۲۸۵۹؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۸؛ خواندنی‌ها، شماره ۱۰۴، صص ۱۹-۲۰). تعداد این جوانان در منابع ۳ نفر عنوان شده است (کمام، ۶۳۲۸۵۹؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۸). دستگیری و تبعید این افراد تقریباً یک ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد اتفاق افتاده و به احتمال زیاد با این رویداد بی‌ارتباط نبوده است. با توجه به گفته منوچهر کی‌مرام این افراد از سوی حزب توده به فستیوال اعزام شده بودند (کی‌مرام، ۱۳۷۴، ص ۲۴۹).

۵.۵.۲. کارگران دخانیات

این گروه از تبعیدیان مربوط به اعتراضات کارگران دخانیات بودند که در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۲ دستگیر شدند و در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۳۲ از تهران به فلک‌الافلاک و

سپس به جزیره خارک تبعید شدند. طبق بررسی‌های انجام‌شده تعداد این افراد سه نفر بوده‌است (کمام، ۶۳۲۸۴۹؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۱۱۶، ۱۸۳). این افراد نیز مانند گروه فستیوالی‌ها دقیقاً یک ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و تبعید شده‌اند که می‌تواند با جریان مذکور ارتباطاتی داشته باشد.

۵.۵.۳. طرفداران دکتر محمد مصدق و نهضت ملی شدن نفت

این موج را می‌توان شامل برخی طرفداران دکتر محمد مصدق و نهضت ملی شدن صنعت نفت دانست. در واقع این گروه سه نفر از کاسبان و بازاریان طرفدار دکتر مصدق از جمله محمدحسن شمشیری بودند. براساس شواهد برجای مانده، این افراد می‌بایست پس از کودتای ۲۸ مرداد به جزیره تبعید شده باشند (احسانی، ۱۳۷۸، صص ۳۴۲؛ یزدی، ۱۳۸۲، ج ۲، صص ۱۱۰؛ یزدی، ۱۳۹۴، صص ۲۲۲؛ خواندنی‌ها، شماره ۲۱، صص ۱۳-۱۵).

۵.۵.۴. گروه موسوم به ۶۱ نفر

این گروه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۳۳ به جزیره خارک تبعید شدند. روزنامه‌های اطلاعات و کیهان علت تبعید این گروه را این‌گونه ذکر کرده‌اند: «مقامات فرمانداری نظامی امروز به خبرنگار ما گفتند: چون گزارش‌ها و اطلاعیه‌های واصله از زندان‌های مرکز حاکی بود که از طرف زندانیانی که به اتهام داشتن مرام اشتراکی برابر ماده ۵ فرمانداری نظامی بازداشت می‌باشند، علاوه بر تحریکات دامنه‌داری در بین سایر زندانیان در داخل زندان نیز مشغول تبلیغات مضره مرام اشتراکی شده و زندانیان را به اعتصاب و اخلال نظم عمومی تحریک می‌نمایند، علی‌هذا کمیسیونی با شرکت نمایندگان ستاد ارتش و شهربانی کل کشور و فرمانداری نظامی تهران تشکیل و ضمن بررسی سوابق زندانیان تصمیم گرفته شد زندانیانی که داشتن مرام اشتراکی و عضویت آن‌ها در حزب غیرقانونی منحلّه توده مسلم بود و حتی از تبلیغ مرام اشتراکی و تحریکات مضره در داخل زندان‌ها نیز خودداری نمی‌نمایند به زندان‌های مناطق جنوب انتقال داده شوند» (روزنامه‌های اطلاعات و کیهان، شماره ۲۰ تیر ۱۳۳۲).

این گروه یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های تبعیدی به جزیره خارک بود. افرادی از قشرها و حرفه‌های گوناگون جامعه در این گروه حضور داشتند از جمله: گروهی از تبعیدیان از رسته پزشکان بودند. دکتر کریم پویا، دکتر اسماعیل شهیدی^۱، دکتر صادق پیروز و دکتر بهروز رضاخانلو از این جمله‌اند. دسته‌ای از این موج شامل عناصر فرهنگی و بخشی از طبقه روشن‌فکری جامعه بودند که در کسوت نویسندگان

۱. در مصاحبه‌ای از مرتضی زریخت از این شخص به‌عنوان یکی از پزشکان عضو حزب توده نام برده شده‌است. در صورتی که شیخ مصطفی رهنما نظر دیگری دارد و می‌گوید: اسماعیل شهیدی هیچ‌گونه ارتباطی با حزب توده نداشته‌است (احمدی، ۱۳۹۴، صص ۲۰۳؛ روح‌بخش الله‌آباد، ۱۳۸۹، صص ۶۸).

۲. کشاورز از دوران نهضت جنگل به اتحاد شوروی گرایش یافته بود و از رهبران حزب کمونیست ایران بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ دیگر عضو حزب توده ایران نشد و به کارهای فرهنگی مشغول شد و مترجمی سرشناس شد (کیانوری، ۱۳۷۱، صص ۲۸۳).

۳. انجوی شیرازی، مدیر روزنامه آشپار بود (کمام، ۶۳۲۸۴۶).

روزنامه‌نگار و معلم به فعالیت مشغول بودند. کریم کشاورز^۲، ابوالقاسم انجوی شیرازی^۳، شیخ مصطفی رهنما^۱ و بسیاری دیگر از این جمله‌اند (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۴، ۸۲، ۱۱۹، ۱۴۱، ۱۹۱، ۲۱۵؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، صص ۱۰۳-۱۰۴، ۱۰۹؛ کریمان، ۱۳۹۳، صص ۴۲، ۴۵؛ کام، ۶۳۲۸۵۰، ۶۳۲۸۵۱). عده‌ای چون عباس منصور، عباس خان‌پور، سروش رضاخانلو از بدنه دانشجویی به خارک تبعید شده بودند (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۱۸۳-۲۳۰؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۲).

گروهی از این موج به ماجرای موسوم به قیام افسران خراسان و هم‌چنین حکومت خودمختار آذربایجان تعلق داشتند و در واقع بقایای آن محسوب می‌شدند (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۹۸، ۱۲۳، ۱۳۴؛ خسروپناه، ۱۳۷۷، صص ۱۱۴، ۱۴۲، ۱۴۷؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۳).

در این گروه کارمندان شرکت‌ها و ادارات نیز وجود داشتند. عده‌ای نماینده کارگران دخانیات بودند و به گفته منابع به هیچ دسته و حزبی وابستگی نداشتند و حکومت هم از اتحاد کارگران دخانیات با محوریت آن‌ها خشمگین بود (کام، ۰۳/۲۱۶۸۶۷۰۰۳؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۵۳، ۲۱۷، ۲۸۷؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۳؛ صداقت‌پیشه، ۱۳۸۴، صص ۲۷، ۴۰، ۱۰۳). عده‌ای نیز کارگران و کارمندان راه‌آهن بودند (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۹۱، ۱۸۳-۱۸۴؛ طیرانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵۸؛ احمدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۳). در این گروه کارگران روستایی نیز وجود داشتند (ساکما، ۰۱/۱۱۶۱۰۰۱/۲۹۴؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۲۲۵، ۲۷۲).

شاید مهم‌ترین بخش این موج تعدادی از اعضای فعال و اصلی حزب توده شامل فریدون دانش‌خواه، مهدی کی‌مرام^۴، سعید ساویس، مهندس ابراهیم کیان‌دوست، جعفر صدای وطن و خسرو اسدی بودند (کام، ۶۳۲۸۵۲؛ چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، صص ۱۳۴، ۳۸۷؛ ساکما، ۰۷/۲۳۰۰۷۴۷۰؛ روزنامه مردم، ۱۰/۰۴/۱۰۴۲، ص ۱۲).

لازم به ذکر است، درباره تعدادی از افراد گروه معروف به ۶۱ نفر هیچ‌گونه اطلاعاتی موجود نیست. با این حال بخشی از اسامی گویای حضور پررنگ افرادی از طیف اقلیت‌های مذهبی در مجموعه تبعیدیان به جزیره خارک است. باتوجه به مطالعات آقای سیدمحمود سادات بیدگلی درباره اقبال اقلیت‌های مذهبی ایران به‌ویژه ارمنیان به جریان کمونیسم^۵ می‌توان آن‌ها را بخشی از وابستگان به حزب توده به‌شمار آورد.

۵.۵.۵. تظاهرات ۲۱ آبان ۱۳۳۲ ش

درواقع این تظاهرات بعد از اعلام‌نشدن جبهه‌ای واحد میان حزب توده و جبهه ملی رخ

۱. بنابر بررسی‌های انجام‌شده این شخص روحانی بوده و با حزب توده ارتباطی نداشته‌است (روح‌بخش اله‌آباد، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

۲. طبق گفته منابع، مهدی کی‌مرام از اواخر دهه ۱۳۳۰ ش از حزب توده کناره‌گیری کرده بود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، ص ۳۸۷؛ کی‌مرام، ۱۳۷۴، ص ۱۹۶).

۳. برای مطالعه بیشتر رک: (سادات، ۱۳۹۲، ص ۱۱۷).



داده بود و بعد از تشکیل نشدن این جبهه واحد، هر کدام از این دو حزب بدون صادر کردن اعلامیه‌ای روز ۲۱ آبان را روز اعتصاب عمومی و تظاهرات اعلام کردند (کی مرام، ۱۳۷۴، صص ۲۸۶ و ۲۸۷). در این جریان یک نفر از حزب توده دستگیر و به جزیره خارک تبعید شد.

۵.۵.۶. زندانیان سیاسی زندان‌های اصفهان

روز ششم دی‌ماه ۱۳۳۳ یازده نفر از زندانیان سیاسی زندان‌های اصفهان را که به اصطلاح محل نظم بودند به خارک تبعید کردند؛ اینان نیز از امضای تفرنامه علیه حزب توده امتناع کرده بودند (احسانی، ۱۳۷۸، صص ۴۰۶؛ کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۲۱۸؛ احمدی، ۱۳۹۴، صص ۲۰۳).

۵.۵.۷. زندانیان زندان شماره ۲ تهران

اطلاعات در این باره به خاطرات احسانی و کشاورز محدود است. احسانی به عنوان یکی از تبعیدیان توده‌ای در خاطرات خود می‌گوید: «تعداد ۳ نفر از رفقای ما را که از زندان شماره ۲ تهران هنگام تبعید ما به خارک به جزیره قشم تبعید کرده بودند به خارک منتقل کردند» (احسانی، ۱۳۷۸، صص ۴۰۶). این انتقال در ۱۰ اسفند ۱۳۳۳ رخ داد (کشاورز، ۱۳۶۳، صص ۲۷۳؛ احسانی، ۱۳۷۸، صص ۴۰۶). همین اندک اطلاعات ناظر به وابستگی این افراد به حزب توده است.

در مجموع می‌توان گفت از اواخر دهه بیست تا سال ۱۳۳۷ش نزدیک به ۱۴۴ نفر به جزیره خارک تبعید شدند که عمدتاً به نوعی با فعالیت‌های حزب توده در ارتباط بودند؛ با این حال نوع اقدام مجرمانه آن‌ها که باعث تبعیدشان شده بود متفاوت بوده است.

نتیجه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که جزیره خارک بنابر موقعیت جغرافیایی اش یعنی محصور بودن در میان آب‌های خلیج فارس، محدودیت دسترسی به مناطق دیگر، دوری از مرکزیت سیاسی کشور، وسعت کم جزیره و جمعیت اندک بومیان آن، آب‌وهوای گرم و مرطوب و طاقت‌فرسا، نداشتن شرایط مناسب زندگی چه به لحاظ دسترسی به مواد غذایی و چه امکانات اولیه بهداشتی-درمانی واجد ویژگی‌های لازم برای محیط تبعیدگاهی بوده است. این شرایط هم امنیت را برای حکومت مرکزی فراهم می‌کرد و هم زمینه تنبیه و تأدیب مجرمان را فراهم می‌کرد. به این موارد باید سابقه تبعیدگاهی جزیره



خارک در دوره پهلوی اول را نیز افزود. با این شرایط همه‌جانبه و در غیاب ابزارهای مدرن نظارت و کنترل زندانیان به‌علاوه اینکه سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نیز هنوز تأسیس نشده بود، این جزیره تبعیدگاهی طبیعی برای حکومت پهلوی محسوب می‌شد. بر همین اساس جزیره خارک از اواخر دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ش میزان تعداد زیادی از تبعیدیان بوده‌است. براساس داده‌های مقاله می‌توان گفت حساسیت حکومت پهلوی به فعالیت تبلیغی مهم‌ترین جریان فکری-سیاسی آن دوران (حزب توده) حتی در زندان‌ها هم، اقتضای می‌کرد تا محل تبعید این افراد دوراز دسترس و همراه با حداکثر شرایط کنترلی باشد تا فعالیت آن‌ها کمترین اثر ممکن را داشته باشد. از این رو و براساس اسناد، مدارک و شواهد، جزیره خارک به‌عنوان مقصد نهایی تبعیدیان مذکور انتخاب می‌شد.

از طرفی نتایج این تحقیق گویای آن است که وجه اشتراک تمامی تبعیدیان به جزیره خارک در بازه زمانی مورد بحث، فعالیت سیاسی علیه حکومت پهلوی بوده‌است. در این میان به‌لحاظ طیف فکری، عمده تبعیدیان به این جزیره به‌نوعی با فعالیت‌های حزب توده در ارتباط بوده‌اند. آن‌ها طیفی از اعضای حزب توده، وابستگان فکری آن حزب یا متهمان به‌عضویت در آن حزب بوده‌اند. البته در میان تبعیدیان عناصری از طیف جبهه ملی و طرفداران نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و هم‌چنین افراد اندکی از گروه‌های اسلامی نیز حضور داشته‌اند. براساس اسناد و منابع برجای مانده، تبعیدیان به جزیره خارک به‌لحاظ قشربندی اجتماعی طیف‌های مختلفی از جامعه شامل نظامیان، روشن‌فکران، دانشگاهیان، معلمان، کارمندان ادارات دولتی، کارگران کارخانه‌جات و به‌ندرت روستاییان را شامل می‌شده‌اند. به‌لحاظ مذهبی نیز افراد مذکور به جریان‌های مختلف از جمله مسلمان، مسیحی، یهودی، و زرتشتی وابستگی داشته‌اند. به‌این ترتیب می‌توان گفت جزیره خارک از آن‌رو که در فاصله‌ای زیاد از نواحی مرکزی و شمالی (حوزه نفوذ و گسترش افکار کمونیستی و حزب توده) قرار داشته، انتخاب مناسب حکومت پهلوی برای کنترل و کاهش اثر این جریان بوده‌است. این ویژگی شامل حال دیگر فعالان سیاسی تبعیدی حول محور مهم‌ترین رویدادهای این عصر یعنی ملی‌شدن صنعت نفت و سپس کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز شده‌است. شرایط این جزیره علاوه بر کنترل شعاع اثر کنش‌گران مذکور، جنبه تأدیبی هم برای آن‌ها داشت؛ زیرا عمده تبعیدیان از محیطی کاملاً متفاوت با اقلیم گرم و مرطوب حوزه خلیج فارس به آنجا تبعید می‌شدند و این موضوع رنجی مضاعف را برای آن‌ها در پی داشت.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۲۴۰۳۹۵۲۲؛ ۹۸/۲۹۳/۱۲۵۳؛ ۲۳۰۰۷۴۷۰؛ ۲۳۰۹۸۱؛ ۲۳۰۱۱۶۱۰۰۰۱؛ ۲۹۴۰۰۲۹۳؛ ۳۲۴۵۴۲۹۳؛ ۲۹۸۶۴/۲۳۰.
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۰۲۱۶۸۶۷۰۰۰۳؛ ۶۳۲۸۴۹؛ ۶۳۲۸۵۰؛
۶۳۲۸۵۱؛ ۶۳۲۸۵۲؛ ۶۳۲۸۵۹؛ ۶۳۲۸۶۵؛ ۶۳۲۸۶۶؛ ۶۳۲۸۶۹؛ ۶۳۲۸۷۱؛ ۶۳۲۸۷۲؛ ۶۳۲۸۷۳؛
۶۳۲۸۷۴؛ ۶۳۲۸۷۵؛ ۶۳۲۸۷۶؛ ۶۳۲۸۷۷؛ ۶۳۲۸۷۸؛ ۶۳۲۸۷۹.

کتاب

آل احمد، جلال. (۱۳۸۶). *جزیره خارک: دَرِ یتیم خلیج فارس*. تهران: مجید.
ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. (دکتر جعفر شعار، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
ابن خردادبه، ابوالقاسم عیبالله. (۱۳۷۰). *المسالك و الممالک*. (دکتر حسین قره‌چانلو، مترجم). تهران:
مترجم.
ابن فارس، احمد. (۱۴۲۰ق). *معجم مقاییس اللغة*. (ج ۱). (عبدالسلام محمدهارون، کوشش گر). بیروت:
دارالجیل.
ابوالفداء، اسماعیل بن علی. (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*. تهران: بی‌نا.
احسانی، علی اصغر. (۱۳۷۸). *خاطرات ما از قیام افسران خراسان*. تهران: نشر علمی.
احمدی، حمید. (۱۳۹۴). *خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران* (گفت‌وگو با مرتضی زریخت).
تهران: ققنوس.
اصطخری، ابوسحاق ابراهیم. (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: ترجمه و نشر
کتاب.
افریقی مصری، محمد بن مکرم. (۱۴۲۶ق). *لسان العرب*. (ج ۱). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
امانی، عبدالله. (۱۳۸۹). *از آراکیا تا خارک*. خارک: مؤلف و شهرداری جزیره خارک.
امام شوشتری، محمد علی. (۱۳۳۱). *تاریخ جغرافیایی خوزستان*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی طالب. (۱۳۵۷). *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*. (سیدحمید
طیبیان، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگستان‌های ایران.
ایمانی، عباس. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری*. تهران: گنج دانش.
پورزاهد، رضا. (۱۳۵۱). *جزیره خارک*. اهواز: امیرکبیر.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳۶۳). *اشکال العالم*. (فیروز منصوری، مقدمه‌نویس و تعلیق‌نویس). مشهد:



انتشارات آستان قدس رضوی.

چپ در ایران به روایت اسناد ساواک. (۱۳۸۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
حدود العالم من المشرق الى المغرب. (۱۳۶۱). (دکتر منوچهر ستوده، مترجم). تهران: کتابخانه طهوری.
خسروپناه، محمدحسین. (۱۳۷۷). سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۲۳-۱۳۳۳. تهران: شیرازه.
خسروی، خسرو. (۱۳۴۲). جزیره خارک در دوره استیلائی نفت. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات
اجتماعی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
روح بخش الله آباد، رحیم. (۱۳۸۹). اسناد و خاطرات شیخ مصطفی رهنما. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
سازمان نیروهای مسلح. (۱۳۸۱). جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس: (جزایر خارک، خارکو، شیف،
أمّ الکرم، جبرین، نخیلو، فارسی). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
شاملو احمدی، محمدحسین. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی: به انضمام فهرست کامل و
القابلی عناوین مجرمانه در قوانین جزایی و آئین دادرسی عملی در امور کیفری. اصفهان: دادیار.
صداقت پیشه، میهن. (۱۳۸۴). تبعیدگاه خارک: یادداشت های ابوالقاسم انجوی شیرازی. تهران: چاو.
طیرانی، بهروز. (۱۳۸۴). اسناد احزاب سیاسی ایران (حزب توده ایران). (۱۳۸۴). تهران: سازمان اسناد و
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

عمویی، محمدعلی. (۱۳۷۷). درد زمانه: خاطرات محمدعلی عمویی «۱۳۲۰-۱۳۵۷». تهران: آزان.
عمید زنجانی، عباس علی. (۱۳۶۷). فقه سیاسی. تهران: امیرکبیر.
عمید، حسن. (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
کازرونی، محمدابراهیم. (۱۳۶۷). تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس. (منوچهر ستوده، مصحح). بی جا:
مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
کرمیان، مسعود. (۱۳۹۳). خاطرات شیخ مصطفی رهنما به ضمیمه یادداشت های سال ۱۳۳۳. تهران: سوره
مهر.

کشاورز، کریم. (۱۳۶۳). چهارده ماه در خارک: یادداشت های روزانه زندانی. تهران: پیام.
کیانوری، نورالدین. (۱۳۷۱). خاطرات نورالدین کیانوری. تهران: اطلاعات.
کی مرام، منوچهر. (۱۳۷۴). رفقای بالا. بی جا: شباوینز.
لطفی، یعقوب. (۱۳۹۲). مبارزه در تبعید: خارک جزیره سوزان. تهران: موزه عبرت.
محمیایی، ابراهیم. (۱۳۸۱). گذر از سرمنزله عنقا: خاطرات مرحوم حاج ابراهیم محمیایی. قم: ذوی القربی.
مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳۸۹). نزهة القلوب. (گای لسترانج، کوشش گر). تهران: اساطیر.
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۸۲). مروج الذهب و المعادن الجواهر. (ابوالقاسم پاینده، مترجم).
تهران: علمی و فرهنگی.

معین، محمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: سرایش.
مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ). (۱۳۸۳). *سرنوشت یاران مصدق*. تهران: علمی.
نیکوزاد، سیده‌لیلا. (۱۳۹۷). *قانون مجازات اسلامی*. تهران: مهرگان مبین.
وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۱). *تحولات سیاسی صفحات جنوبی ایران: مجموعه گزارش‌های کارگزاران بنادر و جزایر مسکون خلیج فارس*. تهران: وزارت امور خارجه.
یزدی، ابراهیم. (۱۳۸۲). *جنبش دانشجویی در دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰*. تهران: قلم.
یزدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). *شصت سال صبوری و شکوری: از تولد تا هجرت: «خاطرات دکتر ابراهیم یزدی»*. ج ۲ (تهران: کویر)

مقاله

سادات، سید محمود. (۱۳۹۶ الف). «تحلیل مجازات تبعید در دوره پهلوی اول». *گنجینه اسناد*، سال ۲۷، دفتر چهارم.
سادات، سید محمود. (۱۳۹۶ ب). «تحلیل مؤلفه‌های تبعید مخالفان سیاسی در دوره پهلوی اول». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲.
سادات، سید محمود. (۱۳۹۷). «تحلیل تبعید اشتراکی‌ها و کمونیست‌ها در دوره پهلوی اول». *گنجینه اسناد*، دوره ۱۱، شماره ۲.

پایان‌نامه

سادات، سید محمود. (۱۳۹۲). «واکوی تبعید در دوره پهلوی اول از دیدگاه تاریخ محلی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)». دوره دکتری رشته تاریخ، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم انسانی.
کلانی، پوریا. (۱۳۹۵). «اثرشناسی مجازات تبعید». کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران، دانشکده حقوق.

روزنامه

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۲۰ تیر ۱۳۳۲.
روزنامه *کیهان*، شماره ۲۰ تیر ۱۳۳۲.
روزنامه *مردم*، شماره ۱۰۴۲.
مجله *خواندنی‌ها*، شماره ۲۱ و ۱۰۴.
نامه *صنعت نفت*، دوره ۸، شماره ۷، آذر ۱۳۴۸.



English Translation of References

Documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). Document numbers: 02168670003; 632848; 632849; 632850; 632851; 632852; 632859; 632865; 632866; 632869; 632871; 632872; 632873; 632874; 632875; 632876; 632877; 632878; 632879. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). Document numbers: 24039522; 98/293/1253, 230007470; 230981; 2940011610001; 32454293; 230/29864. [Persian]

Books

Abu al-Feda. (1349/1971). "Taghvīm-ol-boldan" (A Sketch of the Countries). Tehran: [n. p.]. [Persian]

Ahmadi, Hamid. (1394/2016). "*Xāterāti az sāzmān-e afsarān-e hezb-e Tude-ye Irān (Goftegu bā Morteza Zarbakht)*" (Memoirs of Tudeh Party of Iran, Officers' Organization (Interview with Morteza Zarbakht)). Tehran: Qoqnuš. [Persian]

Al-e-Ahmad, Jalal. (1368/1990). "*Jazire-ye Xāark: Dorr-e yatīm-e khalij-e Fārs*" (Kharg Island, the unique pearl of the Persian Gulf). Tehran: majid. [Persian]

Amani, Abdollah. (1389/2010). "Az Arakia ta Khark" (From Arakia to Khark). Khark: Mo'allef va Shahrdari Jazireh Khark (Published by the author and Khark Island Municipality). [Persian]

Amid, Hasan. (1362/1984). "*Farhang-e Fārsi-ye Amid*" (Amid dictionary). Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Amid Zanjani, Abbas Ali. (1367/1989). "*Feqh-e Siyāsi*" (Political jurisprudence international law). Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Amouei, Mohammad Ali. (1377/1999). "*Dard-e zamāneh: Xāterāt-e Mohammad Ali-ye Amuyi*" (Memoirs of Mohammad Ali Amoui). Teharan: Ānzān. [Persian]

Ansari Dameshghi, Shams Al-Din Mohammad Ebn-e Abi Taleb. (1357/1998). "*Nokhbatod-dahr fi ajāeb-el-bar-re val-bahr*" (The selected wonders of the

- world in land and sea). Translated by Seyyed Hamid Tabibiyan. Tehran: Bonyāe Farhangestān-hā-ye Irān. [Persian]
- Emam Shoushtari, Mohammad Ali. (1331/1952). *“Tārix-e joqrāfiyā-yi-ye Xuzestān”* (Geographical history of Khuzestan). Tehran: Mo’assese-ye Matbu’āti-ye Amir Kabir. [Persian]
- Dehkhoda, Ali- Akbar. (1377/1999). *“Loqat-nāme-ye Deh-xodā”* (Dehkhoda Dictionary). Tehran: Mosese Loght Nameh Dehkhoda. [Persian]
- Ebn-e Fares, Ahmad. (1420 A.H/1999). *“Mo’jam-o Maqhāees al-loqah”* (Dictionary of language standards) (vol. 1). R&D: Abdolmoslem Mohammad Ebn-e Haroun. Beirut: Dār-ol-jil. [Persian]
- Ebn-e Ḥawqal, Abū’l-Qāsim Mohammad. (1345/1967). *“Sura-tol-arz”* (The face of the Earth). Translated by Jafar shoar. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [Persian]
- Ebn-e Khordadbeh, Abu’l-Qasim Ubaydallah. (1370/1992). *“Al-masālek- va- Al-mamālek”* (Book of roads and kingdoms). Translated by Hossein Gharechanlou. Tehran: Motarjem. [Persian]
- Efrighi Mesri, Mohammad Ebn-e Mokarram. (1426 A.H/2006). *“Lisan-ol- Arab”* (Lisan Al-Arab) (vol. 1). Beirut: Moassesa-tol ‘Elmi-ol-Matbu’āt. [Persian]
- Ehsani, Ali asghar. (1378/2000). *“Xāterāt-e mā az qiyām-e afsarān-e Xorāsān”* (Our memories of the uprising of Khorasan officers). Tehran: Našr-e ‘Elmi. [Persian]
- Estakhri, Abou Eshagh. (1340/1961). *“Masālek va mamālek”* (Roads and kingdoms). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Tarjomeh va Našre ketāb. [Persian]
- Imani, Abbas. (1383/2005). *“Farhang-e eštelāhāt-e hoquq-e keyfari”* (Terminology of criminal Law). Tehran: Ganj-e Dāneš. [Persian]
- Jeihani, Abolghasem Ibn Ahmad. (1363/1985). *“Aškāl ol-‘ālam”* (shapes of the world). Introduction and annotation by Firouz Mansouri. Mašhad: Entesārāt-e Āstān-e Qods-e Razavi. [Persian]
- Jeihani, Abu Abdallah. (1361/1983). *“Hodud-ol-‘ālam men-al-mašreq elal-maqreb”* (Hudud al-‘Alam). Translated by Manouchehr Sotoudeh. Tehran: Ketābxāne-ye Zohuri. [Persian]
- Kazerouni, Mohammad Ebrahim. (1367/1989). *“Tārix-e banāder va jazāyer-e Xalij-e*

- Fārs*” (History of the ports and islands of the Persian Gulf). Edited by Manouchehr Sotoudeh. [n. p.]: Mo’assese-ye Farhangi-ye Jahāngiri. [Persian]
- Keshavarz, Karim. (1363/1985). “*Čahārdah mäh dar Xārk: Yāddāšt-hā-ye ruzāne-ye zendāni*” (Fourteen Months in Khark: A prisoner’s diary). Tehran: Payām. [Persian]
- Karamian, Masoud. (1393/2015). “*Xāterāt-e Šeyx Moštafā Rahnamā be zamime-ye yāddāšt-hā-ye sāl-e 1333*” (Memoirs of Sheikh Mostafa Rahnama). Tehran: Sur-eye Mehr. [Persian]
- Khosravi, Khosro. (1342/1964). “*Jazire-ye Xārk dar dore-ye estilā-ye naft*” (Khark Island in the period of oil domination). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt va Tahqiqāt-e Ejtemā-ee (Institute of Social Studies and Research). [Persian].
- Khosro Panah, Mohammad Hossein. (1377/1999). “*Sāzmān-e afsarān-e hezb-e Tude-ye Irān*” (Organization of officers of the Tudeh Party of Iran 1323-1333 SH / 1944-1954 AD). Tehran: Širzāeh. [Persian]
- Kiyanouri, Nour Al-Din. (1371/1993). “*Xāterāt-e Nur Od-Din Kiyānuri*” (Memoirs of Noureddin Kianouri). Tehran: Ettlā’āt. [Persian]
- Lotfi, Yaghoob. (1392/2014). “*Mobārezeh dar Tab’eed: Xārk jazire-ye suzān*” (Struggle in Exile: Khark, the scorching island). Tehran: Muze-ye Ebrat (Iran Ebrat Museum). [Persian]
- Lotfi, Yaghoob. (1382/2003). “*Čap dar Irān be revāyat-e asnād-e Sāvāk*” (Left wing in Iran according to SAVAK documents). Tehran: Mrakaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixī-ye Vezārat-e Ettlā’āt (The Center of Historical Documents Center). [Persian]
- Mahyayi, Ebrahim. (1381/2003). “*Gozar az sar manzel-e Anqā: Xāterāt-e marhum Hāj Ebrāhim-e Mahyāyi*” (Memoirs of the late Hajj Ibrahim Mahyaei). Qom: Zavelqorbā. [Persian]
- Masoudi, Abolhasan Ali Ibn Hossein. (1382/2004). “*Moravvej-oz-zahab-e valma’āden-ol-jowhar*” (The Meadows of Gold). Translated by Abolghasem Payandeh. Tehran: ‘Elmi va Farhangi. [Persian]
- Moein, Mohammad. (1381/2003). “*Farhang-e Farsi-ye Mo’een*” (Mo’in Encyclopedic

- Dictionary). Tehran: Sorāyesh. [Persian]
- Mostowfi Ghazvini, Hamdollah. (1389/2010). *“Nozhat-ol-qolub”* (Nuzhat-al-qulūb). Edited by Guy le Strange. Tehran: Asātir. [Persian]
- Mahdavi, Abdolreza (Houshang). (1383/2004). *“Sarnevēšt-e yārān-e Mosaddeq”* (The fate of Mossadegh’s companions). Tehran: Nashre Elmi. [Persian]
- Nikouzad, Seyyedeh Leila. (1397/2019). *“Qānun-e mojāzāt-e Eslāmi”* (Islamic penal code). Tehran: Mehregān-e Mobin. [Persian]
- Pourzahed, Reza. (1351/1973). *“Jazire-ye Xārk”* (Khark Island). Ahwāz: Amir Kabir. [Persian]
- Rouh Bakhsh Allahabad, Rahim. (1389/2011). *“Asnād va xāterāt-e Šeyx Mostafā Rahnāmā”* (Documents and memoirs of Sheikh Mostafa Rahnama). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Sāzmān-e Niru-hā-ye Mosallah (Armed Forces Organization). (1381/2003). *“Joqrāfiyā-ye jazāyer-e Irāni-ye Xalij-e Fārs (Jazāyer-e Xārk, Xārku, Šif, Om-mol-Korm, Jabrin, Naxilu, Fārsi)”* (The geography of Iranian islands in persian gulf (khark, kharku, Shif, Om Al-Korm, Jabrin, Nakhliou, Farsi)). Tehran: Sāzmān-e Joqrāfiya-yi-ye Niru-hā-ye Mosallah (National Geographical Organization of the Armed Forces of Iran). [Persian]
- Sedaghat Pishch, Mihan. (1384/2005). *“Tab’id-gāh-e Xārk: Yāddašt-hā-ye Abolqāsem-e Enjavi-ye Širāzi”* (Khark Exile; Diaries of Abolghasem Enjavi Shirazi). Tehran: Čāv. [Persian]
- Shamlou Ahmadi, Mohammad Hossein. (1380/2002). *“Farhang-e estelāhāt va anāvin-e jazā-ee: Be enzemām-e fehrest-e kāmel-e alefbā-ee-ye anāvin-e mojremāneh dar qavānin-e jazā-ee va āyin-e dādrasi-ye amali dar omur-e keyfari”* (Glossary of Criminal Terms and Titles: In addition to a complete and alphabetical list of criminal titles in criminal law and practical criminal procedure in criminal matters). Esfahan: Dādyār. [Persian]
- Tayarani, Behrouz. (1384/2006). *“Asnād-e ahzāb-e siyāsi (Hezb-e Tode-ye Irān)”* (Documents of Iranian political parties (Tudeh Party of Iran)). Tehran: Sāzmān-e



- Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). [Persian]
- Vosoughi, Mohammad Bagher. (1381/2003). *“Tahavvolāt-e siāsi-ye safahāt-e jonubi-ye Irān: Majmu’eh gozāreš-hā-ye kārgezārān-e banāder va jazāyer-e maskun-e Xalij-e Fārs”* (Political developments in southern parts of Iran). Tehran: Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ministry of Foreign Affairs). [Persian]
- Yazdi, Ebrahim. (1394/2016). *“Šast sāl saburi va šakuri az tvalloḍ tā hejrat: Xāterāt-e Doctor Ebrahim-e Yazdi”* (Memoirs of Dr. Ebrahim Yazdi) (vol. 2). Tehran: Kavir. [Persian]
- Yazdi, Ebrahim. (1382/2004). *“Jonbeš-e dānešju-ee dar do dahe-ye 1320 va 1330”* (Student movements in the two decades of 1320 and 1330 SH / 1940s and 1950s). Tehran: Qalam. [Persian]

Articles

- Sadat, Seyyed Mahmood. (1397/2019). *“Tahlil-e tab’eed-e ešterāki-hā va komonist-hā dar dore-ye Pahlavi-ye avval”* (Analysis of the exile of communists in the first Pahlavi era). Ganjine-ye Asnād, 11 (2). [Persian]
- Sadat, Seyyed Mahmood. (1396/2018a). *“Tahlil-e mojāzāt-e tab’eed dar dore-ye Pahlavi-ye avval”* (Exile during the reign of Reza Shah Pahlavi (1925-1941)). Ganjine-ye Asnād, 27th Year, volume 4. [Persian]
- Sadat, Seyyed Mahmood. (1396/2018b). *“Tahlil-e mo’allefe-hā-ye tab’eed-e moxālefān-e siyāsi dar dore-ye Pahlavi-ye avval”* (Analysis of the factors of the exile of political opponents in the first Pahlavi era). Tahqiqāt-e Tārikh-e Ejtemā’i (Social History Studies), 7 (2). [Persian]

Thesis

- Kalaei, Pouria. (1395/2017). *“Asar-šenāsi-ye mojāzāt-e tab’eed”* (The pathologic study of the exile punishment). [Master’s thesis in Criminal Law and Criminology]. Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law. [Persian]
- Sadat, Seyyed Mahmood. (1392/2014). *“Vākāvi-ye tabeed dar dore-ye Pahlavi-ye Av-*



val az didgāh-e tārix-e mahalli (1304-1320 SH") (An analysis of exile in the first Pahlavi period in the view of local history (1926- 1941)). [Doctoral dissertation in History]. Esfahan: Esfahan university, Faculty of Humanities. [Persian]

Newspapers

Etelā'āt (Ettelā'āt newspaper): 20 Tir 1332/ 11 July 1953. [Persian]

Keyhān (Keyhan newspaper): 20 Tir 1332/ 11 July 1953. [Persian]

Mardom (Mardom newspaper): issue no. 1042. [Persian]

Xāndani-hā (Khandaniha magazine): issues 21 & 104. [Persian]

Nāme-ye San'at-e Naft, volume no. 8, issue no. 7. Āzar 1348/ December 1969. [Persian]

